



Paper from well managed  
forests and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع  
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.

# دفاع از آزادی



# دفاع از آزادی

خاطرات، گفته‌ها و نوشته‌های

**علی اردلان**

از جبهه ملی و جنبش آزادی خواهی در ایران

به اهتمام علی حاج قاسمعلی / علی شجاع



بنگاه ترجمه و نشر  
**کتاب پارسه**

سرشناسه: اردلان، علی، ۱۳۹۳ - ۱۳۷۸.  
عنوان و نام پدیدآور: دفاع از آزادی (خاطرات)، گفته‌ها و نوشته‌های علی اردلان / از جبهه ملی و جنبش  
مشخصات نشر: آزادی خواهی در ایران) به کوشش علی حاج قاسمعلی - علی شجاع  
مشخصات ظاهری: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۹  
شابک: ۵۶۰ ص  
وضعیت فهرست نویسی: ۹-۷۳۷-۲۵۳-۶۰۰-۹۷۸  
موضوع: اردلان، علی، ۱۳۷۸-۱۳۹۳ -- خاطرات/ ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰  
-- خاطرات  
رده بندی کنگره: DSR۱۴۸۶  
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۰۹۲۷۹



## ■ دفاع از آزادی

به اهتمام: علی حاج قاسمعلی - علی شجاع

آماده سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی گرافیک: پرویز بیانی چاپ و صحافی: دالاهو

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۰، ۷۷۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.  
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

### بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

[www.parsehbook.com](http://www.parsehbook.com) / [info@parsehbook.com](mailto:info@parsehbook.com)

[@ketabeparseh](https://www.instagram.com/ketabeparseh)

فروشگاه: تهران، خیابان ولیعصر، روبروی دوراهی یوسف آباد، پلاک ۱۹۴۱

تلفن: ۸۸۸۹۱۸۹۴

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید

شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

«حافظ»



## فهرست

۹	سر آغاز
۱۳	پیشگفتار
۱۷	مینیوی یاد: زندگینامهٔ علی‌خان اردلان

### بخش اول: خاطرات

۲۹	فصل اول: دوران پیش از نهضت ملی
۳۷	فصل دوم: جبههٔ ملی ایران
۲۲۵	یادداشت‌ها و حوادث بعد از آزادی
۲۴۵	فصل سوم: انقلاب

### بخش دوم: گفته‌ها و نوشته‌ها

۲۵۹	فصل اول: مقالات
۴۲۹	فصل دوم: مصاحبه و گفتگو
۴۷۵	فصل سوم: سخنرانی
۴۹۱	فصل چهارم: نامه‌ها
۵۰۱	ضمائم
۵۰۵	تصاویر و اسناد
۵۲۹	نمایه





## سرآغاز

زنده‌یاد علی اردلان طی سالیان، یادداشت‌ها و مقالات و خاطرات زیادی از خود و دیگران جمع‌آوری و نگهداری کرد. از اسناد و خاطرات شفاهی اردلان مرحوم محمدعلی سفری در تألیف کتاب قلم و سیاست، مهندس کوروش زعیم در نگارش جبهه ملی ایران از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد، مرحوم دکتر علی اکبر نقی پور در تألیف تاجی بر تارک تاریخ معاصر، و همچنین بسیاری از تاریخ‌نویسان جبهه ملی و روزنامه‌نگاران بهره‌مند شدند.

علی اردلان، که حتی یک روز بدون ملاقات و برنامه نداشت، تمام وقت خود را صرف اعتلای نام و پیشرفت نهضت ملی ایران و همکاری با جبهه ملی می‌کرد و در طول هفته‌ها و ماه‌ها، در ساعات از قبل برنامه‌ریزی شده، با همکاران اداری، دوستان ایام تحصیل، همکاران سیاسی و دوستان خود نشست و ملاقات داشت. در همه برنامه‌های ایشان، مسائل مربوط به جبهه ملی همیشه در اولویت بود. بعد از حکم ارتداد جبهه ملی و تعطیل شدن باشگاه و تشکیلات آن، اغلب مسئولان جبهه ملی یا ایران را ترک گفتند، یا ترک سیاست کردند، یا سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفتند. ولی اردلان هرگز فعالیت را کنار نگذاشت. در ۱۳۶۴ جلسه‌ای با

چند نفر از دوستان برپا کرد. سپس از اعضای شورای سال ۱۳۵۸ درخواست فعالیت و همکاری کرد که استقبالی نشد. در همان سال ۱۳۶۴ همراه با مهندس بازرگان جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت مردم ایران را تشکیل داد. برای ادامه فعالیت جبهه ملی، هیئت حُسن نیت را از اعضای جبهه ملی بنیاد گذاشت. در ۱۳۶۷، برای تجمع دوستان ملی، تعاونی توکل را تشکیل داد که مورد استقبال زیادی واقع شد.

اردلان پس از آزادی در ۱۳۶۹، با ترتیب دادن جلسات منظمی که هر پانزده روز در منزل مرحوم حسن طالبی برگزار می‌شد، شروع به جمع‌آوری و ضبط خاطرات رجال سیاسی کرد. در ادامه همین جلسات بود که برای سروسامان دادن به وضع جبهه ملی درخواست تشکیل پلنوم به جای کنگره را کرد. بعد از درگذشت علی اردلان و حسن طالبی، اسناد جمع‌آوری شده در اختیار برخی از اعضای سازمان دانش‌آموختگان جبهه ملی ایران از جمله حسین مجتهدی، علی حاج‌قاسم‌علی، علی هنری و حسین عزت‌زاده به سرپرستی مرحوم محمدعلی سفری قرار گرفت. اما به رغم فراهم آوردن مقدمات چاپ بخشی از مطالب گردآوری شده، این مهم به دلیل فوت محمدعلی سفری عملاً به انجام نرسید. سرکار خانم وزیر همسر مرحوم اردلان، در جابه‌جایی منزل مسکونی، بخشی از آن اسناد را در اختیار نگارنده قرار داد. با یک سال صرف وقت در ۱۳۸۷، اسناد به شرح زیر تقسیم‌بندی و بایگانی شد:

کلاسور ۱ (در ۷ بخش): اسناد مربوط به شخص علی اردلان شامل سرگذشت، نامه‌ها، مصاحبه‌ها، روزنامه صر صر، خاطرات، سخنرانی‌ها، مقالات، خدمت دوران وزارت و کالت مردم توپسرکان در مجلس (با شرح جزئیات)

کلاسور ۲ (در ۱۱ بخش): اسناد و مدارک مربوط به جبهه ملی ایران شامل صورت‌جلسات، اعلامیه‌ها، نشریات، منشور، اساسنامه، وقایع مهم (روزشمار)، یادنامه اعضای فوت شده کلاسور ۳ (در ۱۸ بخش): مطالب مربوط به دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق، ملی شدن نفت، کودتای ۲۸ مرداد، نامه‌های دکتر مصدق و...

کلاسور ۴: حزب ایران، نشریات، بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها، پلنوم ۵۷، نامه‌های سرگشاده

کلاسور ۵: نهضت مقاومت ملی، اعلامیه‌ها، روزنامه‌ها، مکاتبات

- کلاسور ۶: جریان کامل حوادث دانشگاه در سال ۱۳۴۰  
کلاسور ۷: اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، نامه‌های سرگشاده، نهضت‌های سیاسی-مذهبی، ارتش، نویسندگان  
کلاسور ۸: مقالات سیاسی، اجتماعی، انتقادی (از اشخاص)  
کلاسور ۹: نهضت آزادی، مرام‌نامه، نشریات  
کلاسور ۱۰: روزنامه‌های موافق و مخالف دکتر مصدق

از میان انبوه اسناد گردآمده به همت مرحوم علی اردلان، تاکنون بخشی از اسناد مربوط به جبهه ملی دوم در دو جلد به چاپ رسیده است. مجموعه حاضر بخش دیگری از آن اسناد و مدارک است که در بردارنده خاطرات مرحوم علی اردلان و برخی نوشته‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و نامه‌های ایشان است که به کوشش دکتر علی حاج قاسم‌علی و دکتر حسین مجتهدی به خوانندگان علاقه‌مند به وقایع سیاسی معاصر تقدیم می‌شود. همچنان که گفته شد، در طرح اولیه گردآوری و انتشار این مجموعه محمدعلی سفری حضور مؤثر و همکاری زیادی داشت ولی متأسفانه انتشار اسناد به‌جامانده از مرحوم اردلان در زمان حیات ایشان میسر نشد. به پاس زحمات مرحوم سفری، پیشگفتار کوتاهی را که بر این اسناد نگاشته بود زینت بخش مجموعه می‌سازیم.

علی شجاع

خرداد ۱۳۹۸



## پیشگفتار

نزدیک به یک قرن از جنبش مشروطیت می‌گذرد، ولی همواره تلاش و کوشش آزادی‌خواهان در راه استقرار حکومت مردم‌سالاری از گزند گروهی هرچند اندک اما صاحب زور و زر در امان نبوده و نیست.

زنده‌یاد محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا)، که در فراز و نشیب‌های مشروطیت سهمی داشت، بر این باور بود که سرآغاز مشروطه شرایطی داشت که اکثریت مردم ارتجاعی و اقلیت انقلابی بودند. او در تاریخ احزاب سیاسی ایران، پایه‌گذاران این نهضت را قلیلی روشن فکر می‌داند و می‌گوید: «در آغاز مشروطه دو حزب در ایران پیدا شد: مشروطه‌خواه و مستبد. اعیان و طبقه اول و طبقه سوم یعنی توده مردم مستبد بودند و مشروطه‌خواهان را بی‌دین و انقلابی و هرج و مرج طلب می‌شمردند و مشروطه‌خواهان که عددشان قلیل ولی بیشتر آنان از طبقه باسواد و روشن فکر بودند و می‌توان آنان را طبقه دوم نامید مستبدان را جاهل، ظالم، ارتجاعی و غارتگر می‌شمردند.» مروری بر حوادث این قرن، با کم‌وبیش اختلاف، مهر تأیید بر ادعای ملک‌الشعرا بهار دارد و به همین جهت در سراسر این سال‌ها، به خصوص پس از کودتای اول در ۱۲۹۹ و کودتای دوم در ۱۳۳۲، همواره زورمداران با در اختیار

داشتن اهرم‌های قدرت مانع گسترش آزادی در مفهوم واقعی آن بودند و هستند، آن‌چنان‌که باید پذیرفت این رشته سر دراز دارد.

اما تک‌دانه‌هایی در تاریخ معاصر ایران پیدا شدند که با همه قدرت و توان خود جانب مردم را گرفتند و با پشت پا زدن به تمامی امتیازات طبقه خویش، به واقعیتی رسیدند که ژان ژاک روسو چنین بیان می‌کند: «از دست دادن آزادی و اراده در حکم آن است که انسان تمام معنویات خود را به باد نیستی داده باشد ... اگر کسی از آزادی خود دست بکشد، مثل این است که شخصیت انسانی خود را از دست بدهد.»

دکتر مصدق در عصر ما در ردیف همین انسان‌های فرهیخته بود. از عجایب دوران حیات دکتر مصدق این است که او در کودتای اول در سال ۱۲۹۹ به مخالفت با رضاخان پرداخت و ناگزیر حدود سی سال برضد رژیم استبدادی مبارزه کرد تا موفق شد با حمایت مردم در کوتاه‌مدتی که به قدرت رسید با ملی کردن صنعت نفت ضربه‌ای مهلک بر پیکر استعمار وارد کند و سلسله جنبنان قیام ملت‌هایی شود که استعمارگران هستی آنان را به یغما می‌بردند.

محبوبیت دکتر مصدق در سراسر جهان، قدرت‌های استعماری را بر آن داشت تا با کودتای دوم در حمایت از پسر رضاخان در سال ۱۳۳۲، دولت ملی موردعلاقه مردم را ساقط سازند و دکتر مصدق را برای عبرت دیگران تا پایان عمر در زندان و تبعید و اسارت نگاه دارند.

اما واکنش مردم در قالب فعالیت در «نهضت مقاومت ملی» بلافاصله پس از کودتا و اقبال عمومی به راه و روش دکتر مصدق سبب شد پرچمی که برافراشته بود با تلاش پیروان «مکتب مصدق» همچنان در اهتزاز بماند و همه ترفندهای مخالفان این مکتب برای سرکوبی نهضت خنثی گردد. به شهادت تاریخ، در نیم‌قرن اخیر، آن گروه از یاران نخستین دکتر مصدق که رفیق نیمه‌راه شدند و عهد و پیمان شکستند به سزای خویش رسیدند و آنان که با همه سخن‌ها و مشقت‌ها ثابت‌قدم ماندند از حمایت مردم برخوردار شدند.

زنده‌یاد علی اردلان یکی از افراد شاخص و متعهد در جمع رهروان این مکتب بود. کتابی که در دست دارید زندگینامه‌ی مردی است که از عنفوان جوانی در خدمت مردم بود و این راه را تا پایان زندگی ادامه داد. صاحب این قلم از دوران حکومت دکتر مصدق و به خصوص طی بیست سال اخیر در کنار ایشان شاهد و ناظر تلاش بی‌وقفه‌ی وی در راه مبارزه با استبداد و استقرار نظام مردم‌سالاری بوده است.

وظیفه حکم می‌کند اعتراف کنم اگر نبود تشویق‌ها و مساعدت‌های علی اردلان با در اختیار قرار دادن اسناد و مدارکی از پنجاه سال اخیر، انتشار تاریخ معاصر از شهریور ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷ در چهار جلد با عنوان قلم و سیاست برای این جانب امکان‌پذیر نبود. به پاس محبت‌های بی‌دریغ ایشان به علاقه‌مندان «مکتب مصدق» و زحماتی که مخصوصاً طی بیست سال اخیر برای جمع‌آوری اسناد و عکس‌ها و خاطرات یاران در نهضت مقاومت ملی، جبهه‌ی ملی ایران و حزب ایران متحمل شدند، امید است آرزویشان برای انتشار این مجموعه که نمایانگر قسمتی از مبارزات ملیون در این مرحله از تاریخ سیاسی ایران است تحت سرپرستی همسر گرامی آن مرحوم، سرکار خانم دکتر مه‌لقا اردلان، با اشراف کاملی که به این امور دارند، و همکاری دوستان برآورده شود چون بازگوکننده‌ی ناگفته‌های بسیاری از حضور ملت در عرصه‌ی پیکار در راه کسب آزادی است. انتشار این کتاب که گوشه‌هایی از این مبارزات را دربرمی‌گیرد نخستین گام در این راه است. امید است که همکاری «یاران» ما را در این راه راهنما باشد.





## مینوی یاد زندگینامه علی خان اردلان

زنده‌یاد علی خان اردلان در اول مهر ۱۲۹۳ در تهران دیده به دنیا گشود. پدرش محمدولی اردلان مردی خوش‌نام و متنفذ در تویسرکان و نسل بیست و پنجم از سلسله نسب مکتوب خاندان اردلان بود. محمدولی خان فرزند حاج محمدحسین خان بن حاج مرادخان بود و باهشت نسل نسبش به سرخاب‌خان بن خان احمدخان اردلان سردار معروف و حاکم کردستان و فاتح بغداد می‌رسید. خانواده او از اصیل‌ترین خانواده‌های تویسرکان به‌شمار می‌آمد که موجب خدمات شایانی در آن دیار گردیده بودند.

علی خان اردلان تحصیلات خود را در رشته حقوق اقتصادی در دانشگاه تهران پی گرفت و به انجام رسانید. پس از آن برای ادامه تحصیلات تخصصی در دوره دکتری دانشگاه پاریس ثبت‌نام کرد که به علت دغدغه فعالیت‌های اجتماعی در ایران، آن را ناتمام گذاشت. اما دوره آموزش تخصصی روزنامه‌نگاری را در کنار تحصیل در دانشگاه تهران تا پایان طی کرد و در سال ۱۳۳۰، در زمان دولت ملی دکتر محمد مصدق، موفق به کسب امتیاز روزنامه صرصر گردید.

آغاز فعالیت‌های سیاسی اردلان به پیش از نهضت ملی بازمی‌گردد. او در سال

۱۳۲۴ روزنامه ندای حقیقت را منتشر کرد و در همان حال با عضویت در حزب ایران به فعالیت سیاسی پرداخت. وی در مصاحبه‌ای سرآغاز کوشش‌های اجتماعی-سیاسی‌اش را این‌گونه بیان می‌دارد: «پس از واقعه شهریور ۱۳۲۰ اختناق و استبداد به کلی درهم ریخت. روزنامه‌ها آزاد شد و نیاز به مجوز نداشت. اجتماعات و احزاب تشکیل یافت. ما هم که از دانشگاه بیرون آمده بودیم، به شدت به فعالیت مشغول شدیم. در آن هنگام بر دو موضوع تکیه داشتیم. نخست انتخابات دوره سیزدهم مجلس آن دوره که توسط رضاشاه در خرداد همان سال با نمایندگان قبلی تشکیل یافته بود، دوم قرارداد فروغی که ایران را جزو متفقین تلقی می‌کرد و آن تلقی ورود به جنگ محسوب می‌شد.»

اولین دستگیری وی نیز در همین دوران اتفاق افتاد. فرمانداری نظامی که سرتیپ امیراحمدی عهده‌دار مسئولیتش بود او و چند تن از دوستانش را بازداشت کرد. به گفته اردلان: «گمان داشتند ما با آلمان‌ها ارتباط خاصی داریم و اهداف امنیتی را دنبال می‌کنیم. بعد از تفتیش و بازجویی که مشخص شد انگیزه ما میهن پرستانه بوده رهایمان کردند.»

اردلان با عضویت در «سازمان نظارت بر آزادی انتخابات» فعالانه در برگزاری انتخابات دوره شانزدهم مجلس شرکت کرد. به گفته حسین شاه‌حسینی: «سازمان نظارت بر آزادی انتخابات برای نظارت بر امر انتخابات یک هیئتی را مرکب از هفت هشت نفر تعیین کرده بود که از جمله افراد آن آقایان علی اردلان و محمودی بودند.»<sup>۱</sup>

با شروع و اوج‌گیری نهضت ملی ایران به رهبری دکتر محمد مصدق، اردلان اعتلای آرمان‌های اجتماعی‌اش را در اهداف این جنبش ملی‌گرایانه و مردم‌سالارانه یافت و به صف هواداران دکتر مصدق پیوست. پس از کودتا نیز دست از مبارزه نکشید و همراه آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی و سایر شخصیت‌های ملی و مبارز

۱. حسین شاه‌حسینی، هفتاد سال پایداری، به کوشش امیر طیرانی، تهران، چاپش، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳.

در نهضت مقاومت ملی به تلاش پرداخت.

در جریان تصمیم نهضت مقاومت ملی به تجدید سازمان، علی اردلان به سمت مسئول کمیته ادارات نهضت مقاومت ملی تعیین شد و وظیفه بازسازی کمیته مزبور بر دوش وی قرار گرفت. به گفته حسین شاه‌حسینی: «اردلان... با آنکه در آن دوران هنوز در وزارت دارایی مشغول به کار بود ولی با کمال جدیت مسئولیت‌های محوله در نهضت مقاومت را پیگیری می‌کرد»<sup>۱</sup>

اردلان بعد از کودتا روزنامه صر صر را منتشر ساخت. ولی صر صر پس از انتشار سه شماره در ۱۷ مهر ۱۳۳۲ به دستور فرمانداری نظامی توقیف گردید و وزیر دارایی طی نامه‌ای از علی اردلان خواست یا از وزارت دارایی که در آنجا مشغول به کار بود استعفا دهد یا انتشار روزنامه را متوقف کند. با توقف انتشار صر صر، اردلان با استفاده از امتیاز روزنامه‌های دهمان، نیروی کار گران و فاخته تا آذرماه به انتشار روزنامه ادامه داد و در افشای کودتا و اقدامات کودتاگران و به‌ویژه بازتاب اخبار محاکمه غیرقانونی دکتر مصدق مؤثر واقع شد.

علی اردلان در ۲۲ بهمن ۱۳۳۲ نامه‌ای اعتراضی در خصوص مسائل مملکتی به آیت‌الله کاشانی نگاشت و نکاتی مهم را در پیوند با وضعیت سیاسی - اجتماعی کشور متذکر گردید. این نامه نخست محرمانه و خصوصی بود و توسط شیخ باقر نهبودی به دست آیت‌الله کاشانی رسید ولی بعداً سرگشاده شد و انتشار یافت. در این نامه عملکرد آیت‌الله کاشانی در اواخر دوران دولت ملی دکتر مصدق با صراحت و قاطعیت و در عین حال ادب و متانت نقد شده است. همچنین به همراهی ایشان و نقش مستقیم فرزندشان مصطفی کاشانی در برقراری رابطه دولت کودتا با انگلستان اشاره گردیده است. علی اردلان در پایان نامه ایشان را به دوباره پیوستن به صف ملت در برابر مستبدان و ابسته دعوت کرده است. آیت‌الله کاشانی بعد از این نامه به دیدار با وی ابراز تمایل کرد و به اتفاق حسین مکی در جلساتی که در منزل شیخ

باقر نهانوندی تشکیل می‌یافت حضور پیدا کرد. در آن جلسه انتقادهای شدیدی مطرح گردید و آیت‌الله کاشانی به دفاع پرداخت، ولی چون جواب‌ها قانع‌کننده نبود از طرح مسائل ناراحت شد و پس از نیم ساعت جلسه را ترک کرد.

از دیگر فعالیت‌های علی اردلان در این برهه، در کسوت روزنامه‌نگار، همراهی با اعتراض جمعی روزنامه‌نگاران به دولت کودتا بود. در بیست و هفتم خرداد ۱۳۳۳ همراه گروه کثیری از مدیران جراید، که تعدادشان از پنجاه نفر متجاوز بود، نامه‌ای سرگشاده به مجلس را امضا کرد. در این نامه که خطاب به نمایندگان دو مجلس بود، از اختناق حاکم بر مطبوعات شکایت و اعلام شده بود که در چنین محیطی تصمیم هیئت حاکمه در باره سرنوشت ملت رسمیت قانونی ندارد.

در جریان تشکیل جبهه ملی دوم، اردلان از نخستین کسانی بود که در شکل‌گیری و آغاز فعالیت‌های آن نقش داشت. با تشکیل شورای جبهه ملی دوم، اردلان به‌عنوان یکی از اعضای شورا و نیز عضو کمیسیون سیاسی و خط‌مشی جبهه ملی دوم انتخاب شد. او در بهمن ۱۳۳۹ به همراه عده‌ای از رهبران جبهه ملی از جمله مهندس بازرگان در اعتراض به تقلب در انتخابات در مجلس سنا تحصن کرد. تحصنی که گرچه منتج به نتیجه نشد، از عزم جزم رهبران جبهه ملی و از جمله اردلان در مبارزه با دیکتاتوری حکایت داشت. وی همچنین در سال ۱۳۳۹ سازمان کارمندان دولت وابسته به جبهه ملی را بنیان نهاد.

اردلان در ۱۳ خرداد ۱۳۴۰، به همراه عده دیگری از روزنامه‌نگاران ملی، جبهه روزنامه‌نگاران ملی ایران را تأسیس کرد. در جریان برگزاری کنگره جبهه ملی دوم در دی ۱۳۴۱ به ریاست الهیار صالح، اردلان به‌عنوان مسئول و نماینده سازمان ادارات جبهه ملی در جلسات کنگره شرکت کرد. او در پایان کنگره با ۷۷ رأی اعضای آن به‌عنوان عضو شورای جبهه ملی ایران انتخاب شد.

رژیم شاه در بهمن ۱۳۴۱، در جریان برگزاری رفراندوم، عده زیادی از فعالان سیاسی را بازداشت و راهی زندان کرد. رهبران و اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی ایران و نیز دانشجویان فعال از جمله بازداشت‌شدگان بودند. در این میان علی

اردلان از نخستین کسانی بود که ساواک دستگیر کرد. او ابتدا به زندان قزل‌قلعه و سپس به زندان قصر منتقل گردید که وضعیت سخت‌تری داشت و تا پایان سال هم اجازه ملاقات با خانواده را نیافت. پس از آن نیز ملاقات را که از پشت میله‌ها بود تحریم کرد، تا آنکه در بیست و ششم خرداد ۱۳۴۲ به زندان قزل‌قلعه انتقال یافت که شرایط بهتری داشت و زیر نظر سرلشکر پاکروان رئیس ساواک اداره می‌شد. در دوران زندان، اردلان از جمله کسانی بود که علاوه بر تحمل سختی‌های زندان، نقطه اتکابی برای سایر زندانیان به‌ویژه زندانیان جوان به‌شمار می‌رفت. ذکر خاطره زیر از زبان دوست و همراه همیشگی‌اش حسین شاه‌حسینی برای نشان دادن روحیه اردلان در آن دوران بی‌مناسبت نیست: «در پایان ماه مبارک رمضان، بنابه تصمیم جمعی زندانیان، قرار بر برگزاری نماز عید فطر در زندان گرفته شد... آقای طالقانی در جلوی جماعت قرار گرفت و به اقامه نماز پرداخت... در پایان مراسم نماز... سروان آشتیانی‌نسب (رئیس زندان) از گوشه حیاط به آقای طالقانی گفت که اعلیحضرت صاحب اولاد شده‌اند، چه خوب است که آقایان برای سلامتی وجود ایشان هم دعا بفرمایند. هنوز صحبت آشتیانی‌نسب به پایان نرسیده بود که علی اردلان در حالی که عبا بر دوش داشت از میان جمعیت برخاست و گفت: اگر قرار بود ما نوکری شاه را بکنیم به اینجا نیامده بودیم. ما به اینجا آمده‌ایم که جلوی شاه بایستیم، حالا شما می‌گویید برای شاه و فرزندش دعا کنیم؟ برو آقا، برو خجالت بکش!»<sup>۱</sup> این برخورد اردلان موجب شد سایر حاضران در مراسم نماز زندان قزل‌قلعه نیز به میدان بیایند و با شعارهای درود بر مصدق و مرگ بر خائنین جواب خواسته رئیس زندان را بدهند.

در روز پنجم مرداد ۱۳۴۲ محمدولی خان پدر علی اردلان درگذشت. به دستور ساواک اردلان اجازه نیافت در مراسم خاک‌سپاری پدر شرکت کند. ولی در روز هشتم مرداد به وی اجازه دادند در مراسم ختم که در مسجد مجد برگزار شد

حضور داشته باشد. چند مأمور اردلان را به همراه دکتر کریم سنجابی به مسجد منتقل کردند و بعد از پایان مراسم به زندان بازگرداندند.

اردلان سرانجام بعد از ۱۹۵ روز در ۲۱ مرداد ۱۳۴۲ از زندان آزاد شد. او بعد از آزادی از جمله اعضای شورای جبهه ملی بود که بار مسئولیت را بر زمین نگذاشت و فعالیت‌های خود را از سر گرفت. بعد از اختلافاتی که در میان اعضای هیئت اجرایی جبهه ملی به وجود آمد و منجر به استعفای الهیار صالح رئیس هیئت اجرایی شد، علی اردلان با ارائه طرح حمایت از انتخاب مجدد الهیار صالح به ریاست هیئت اجرایی تلاش کرد از فروپاشی آن جلوگیری کند. در آن جلسه، همه حاضران به جز خود الهیار صالح از طرح علی اردلان مبنی بر واگذاری اختیارات کامل به صالح حمایت کردند.

وی در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶، همراه هموندان و همفکرانش، نشست‌هایی ماهانه به منظور تبادل نظر و تحلیل شرایط سیاسی و اجتماعی سامان داد. این تلاش‌ها به همگرایی نیروهای ملی انجامید، که از جمله دستاوردهای آن تأسیس «اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران» بود که در ۲۸ آبان ۱۳۵۶ اعلام موجودیت کرد.

اردلان از جمله سازمان‌دهندگان مراسم جشن عید قربان در اول آذر ۱۳۵۶ در باغ حسین گلزار در کاروانسرا سنگی بود. در جریان برگزاری آن مراسم که با حمله نیروهای ساواک و چماق‌داران شاه به شرکت‌کنندگان به یک درگیری خونین منتهی شد، بسیاری از شرکت‌کنندگان و از جمله علی اردلان به شدت مضروب شدند.

اردلان پس از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت، در ۲۶ بهمن ۱۳۵۷ عهده‌دار سمت وزارت اقتصاد و دارایی کابینه دولت موقت گردید. او با توشه دانش اقتصاد و تحصیلات تخصصی از سویی و آشنایی عمیق با ساختار اداری وزارت اقتصاد و کارشناسان مختلف این رشته از دیگر سو توانست اوضاع درهم‌ریخته این وزارتخانه را در آن آشفتگی‌های تغییر حکومت به سرعت سامان بخشد. تا جایی که در سی‌ام بهمن دستور پرداخت حقوق بهمن‌ماه کارکنان دولت را به خزانه‌داری کل صادر کرد و در پایان سال طرح بودجه سال بعد را به دولت عرضه داشت. اردلان نخستین

کسی بود که از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ مرداد ۱۳۵۸ در بروکسل با اتحادیه اروپا قرارداد همکاری امضا کرد.

او که در جبهه ملی دوم به عضویت شورای مرکزی انتخاب شده بود، تا پایان عمر، در پیوند با جبهه ملی ایران به مبارزه سیاسی و آزادی خواهانه ادامه داد. آخرین سمت او در این جبهه ریاست شورای رهبری بود.

از ویژگی های علی اردلان یا پس نکشیدن و ناامید نشدن در برهه های اختناق و خفقان بود. او مبارزه اصلاحگرانه و قانونی خود را از هر مجرای ممکن با اراده و انگیزه پی می جست و به حزب و جبهه متبوع خود محدود نمی ساخت. در همان آغاز انقلاب، زمانی که بانک ها ملی اعلام شد، گروهی از بازاریان (از اعضای اتاق بازرگانی کنونی) نزد رهبر فقید انقلاب رفتند و خواستار امتیاز تأسیس بانک شدند. اردلان همراه برخی یاران همفکر و هم کوش خود، چون زنده یادان مهندس بازرگان، دکتر مبشری، دکتر احمد صدر حاج سیدجوادی و مهندس معین فر، به دیدار رهبر انقلاب رفت و توضیح داد که وقتی بانک های خصوصی، ملی شده است، اعطای مجدد مجوز تأسیس بانک خصوصی نقض غرض است. چرا که برای باور بود که اگر نفوذ سیاسی نردبان انحصار اقتصادی گردد، خصوصی شدن به مفهوم علمی آن رخ نمی دهد، بلکه گروهی با نفوذ سیاسی و در دست گرفتن شاهرگ های اقتصادی، مقدرات کشور را بر عهده می گیرند و در موارد کلان اجتماعی امکان اعمال نفوذ می یابند. بی گمان وزار تخانه ای که او عهده دارش بود، با منش و مدیریتی بخردانه، از نادر وزار تخانه هایی بود که کمترین مشکل را در سطوح مدیریتی داشت و در برابر اعمال نظرها و تحمیل های خارج از معیارها و ضوابط قانونی بیشترین ایستادگی را نشان داد. اما سرانجام او نیز همراه سایر اعضای کابینه دولت موقت استعفا داد.

اردلان در انتخابات نخستین دوره مجلس پس از انقلاب که در اسفند ۱۳۵۸ برگزار شد با رأی قاطع مردم توپسرکان به نمایندگی مجلس برگزیده شد. وزیر کشور وقت (مهدوی کنی) اعتبارنامه او را صادر نکرد و خواستار استعفای وی گردید و انتخابات توپسرکان تکرار شد. اردلان به این مسئله گردن نهاد و با آن

مخالفت ورزید. به دنبال این مسئله و بحران‌هایی که در خرداد ۱۳۶۰ برای جبهه ملی ایران رخ داد، اردلان بازداشت و به هفت سال زندان محکوم شد.

اردلان در سال ۱۳۶۴ از زندان آزاد شد و بار دیگر کوشش‌های آزادی‌خواهانه خود را از سر گرفت. شرکت در جلسات هفتگی صبح‌های جمعه در منزل آیت‌الله حاج سیدابوالفضل زنجانی از جمله برنامه‌های ثابت وی در آن دهه بود. علاوه بر آن در آن دهه پرتلاطم، به همراه گروهی از شخصیت‌های جبهه ملی ایران و نهضت آزادی ایران، از جمله مهندس مهدی بازرگان، «جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملی ایران» را بنیان نهاد.

فعالیت‌های این جمعیت که از جمله آن‌ها پیشنهاد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران بود منجر به بازداشت عده‌ای از اعضای آن از جمله علی اردلان در سال ۱۳۶۷ گردید، و او برای چندمین بار در طول زندگی سیاسی خود روانه زندان شد. علی اردلان پس از چند ماه بازداشت آزاد شد ولی در سال ۱۳۶۹ و این بار بر سر امضای نامه معروف به ۹۰ امضایی به اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت، دوباره گرفتار زندان شد و ۱۹ ماه را در زندان گذراند.

اردلان در آستانه انتخابات مجلس پنجم بار دیگر، همراه همفکرانش در جبهه ملی ایران و نهضت آزادی ایران، «جمعیت تلاشگران برای آزادی انتخابات» را بنیاد نهاد تا فعالیت‌های اصلاحگرانه سیاسی خود را در بستر پارلمان‌تاریسم پی جوید.

بی‌شک تجدید و احیای فعالیت‌های اصلاحگرانه سیاسی خود را در بستر پارلمان‌تاریسم پی جوید. وام‌دار تلاش‌ها و فداکاری‌های اوست. از هیئت‌حسن نیت تا اتحاد نیروهای ملی تا باز شکل‌گیری جبهه ملی، همه و همه مرهون آن کوشش‌هاست. هر چند مانع‌تراشی‌های بسیاری از درون و برون برای به حاشیه راندن علی‌خان اردلان صورت می‌گرفت، نیت خیر، تلاش صادقانه و عزم و اراده باورمندانه او مانع می‌گردید که این تلاش‌های نامیمون راه به جایی برد.

همسر او زنده‌یاد دکتر مه‌لقا وزیری (مدرس دانشگاه و پژوهشگر جغرافیا و تاریخ) دختر شادروان دکتر وزیری بود. اردلان در برهه‌ای با پدر همسرش در کار



## زندگینامهٔ علی‌خان اردلان ■ ۲۵

چاپ کتاب همکاری داشت. آنان در سال ۱۳۲۴ ازدواج کردند و ثمرهٔ ازدواجشان دو پسر به نام‌های ساسان و سینا و یک دختر به نام مینا بود. مینا در سال ۱۳۹۰ درگذشت.

علی اردلان سرانجام در ۲۲ بهمن ۱۳۷۸ پس از دو جلسهٔ پیاپی سیاسی، در حالی که همچنان دل‌نگران اوضاع میهنش بود و در کسوت ریاست شورای رهبری جبههٔ ملی ایران می‌کوشید فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی‌اش را در مسیر اعتلای منافع ملی ایران بارور سازد، بر اثر سکتهٔ مغزی چشم از جهان فرو بست و از خاک بر افلاک پر گشاد.

سیدحسین مجتهدی



بخش اول  
خاطرات



## فصل اول

### دوران پیش از نهضت ملی

**محرک ما: احساسات وطن‌دوستی و آزادی‌خواهی ضدبیگانگی**

واقعه شوم سوم شهریور ۱۳۲۰ و ورود قوای متفقین به خاک وطن عزیز ما فاجعه دردناکی برای وطن‌دوستان و علاقه‌مندان به استقلال مملکت بود. اما از طرف دیگر این فاجعه ویرانگر موجب رهایی ملت از استبداد رضاشاهی و سرنگونی بساط دیکتاتوری او گردید و پس از بیست سال سلطه کامل وی بر کلیه شئون کشور و ملت خواه‌وناخواه آزادی نسبی برای مردم به وجود آمد و در پی آن فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی رواج یافت. در این برهه با عده‌ای از جوانان حساس وطن‌خواه و دوستان دانشکده حقوق به مبارزه علیه متصدیان ناتوان امور و عوامل اجنبی پرداختیم. ما اقدامات و تصمیمات محمدعلی فروغی را، که در پنجم شهریور از طرف رضاشاه به نخست‌وزیری منصوب شده بود و از عاملین سیاست انگلستان به‌شمار می‌آمد، موافق با مصالح عمومی وطن نمی‌دانستیم و اعتراض خود را به وقایع و وضع موجود در اجتماعات و جراید منعکس می‌ساختیم. از جمله نسبت به انعقاد پیمان اتحاد با متفقین که دولت زمزمه آن را آغاز کرده بود و همچنین افتتاح مجلس دوره سیزدهم که نمایندگان آن همان سرسپردگان برگزیده دوره رضاشاهی بودند.

سپس به نشر اعلامیه پرداختیم (که تا آن زمان معروف به شب‌نامه بود). فعالیت گروه ما و همکاری عده‌ای از افسران جوان با ما در مدت کوتاهی انعکاس زیادی در جامعه برجای گذاشت تا به آن حد که از سوی مأموران شناسایی شد و مأموران در تعقیب اعضا به خانه من رسیدند که مرکز گروه به‌شمار می‌رفت و آنجا را تحت مراقبت قرار دادند.

در شب ۱۲ آبان ۱۳۲۰ مأموران کلانتری‌های چهار و پنج خانه من واقع در چهارراه امیریه و گمرک را محاصره کردند و من را با یکی از دوستان افسر که در منزل بود توقیف کردند، و هم‌زمان نیز به دستگیری سه چهار نفر غیرنظامی دیگر مبادرت شد. علی‌رغم آنکه تصور می‌کردند تشکیلاتی داریم که با خارج مرتبط هستیم، متوجه شدند محرک ما فقط احساسات وطن‌دوستی و آزادی‌خواهی ضدبیگانه بوده است. بنابراین پس از دو روز آزاد شدیم و ما اولین زندانیان بعد از واقعه شهریور بودیم. این جریان علاوه بر آنکه ما را تنبیه و مأیوس نکرد، موجب فعالیت بیشتر و گسترده‌تر ما شد. پس از شکسته شدن جو اختناق، روزنامه‌های زیادی رو به انتشار نهاد که آزادانه انتقاد می‌کردند و خاصه جنایات و ستمگری‌های دوره دیکتاتوری رضاشاه را برملا می‌ساختند. ما در آن روزنامه‌ها مقالات زیادی درباره مسائل روز و مصائب عمومی و ابتلائات مملکتی می‌نوشتیم. از جمله آن‌ها روزنامه آزادگان بود که مرحوم عزت‌پور (پسر عزت‌الله عز‌الملک اردلان و از فارغ‌التحصیل‌های سابق مدرسه علوم سیاسی) امتیاز آن را از سال‌های پیش داشت. ما با همراهی و اجازه ایشان مدتی اداره آن روزنامه را در دست گرفتیم. علاوه بر آن چند روزنامه دیگر هم وسیله نشر افکار دوستان ملی ما بود.

در انتخابات دوره چهاردهم برای انتخاب نمایندگان وطن‌دوست و مبارز و آزادی‌خواه به‌طور گروهی و انفرادی به تلاش پرداختیم. چون انتخابات تهران از استیلای کامل دولت و قوای متفقین که در شهرستان‌ها سلطه و نفوذ تام داشتند خارج بود، اعمال آزادی تاحدودی امکان‌پذیر شد. لذا با همت مردم آزادی‌طلب تهران شخصیت‌هایی همچون دکتر مصدق (نماینده اول تهران)، مؤتمن‌الملک (که

قبول و کالت نکرد)، دکتر رضازاده شفق (که در آن زمان از جوانان روشن فکر بود و دانشگاهیان به او علاقه‌مند بودند)، مهندس غلامعلی فریور (کاندیدای کانون مهندسين)، سیدرضا فیروزآبادی، دکتر جلال عبده، و سید محمدصادق طباطبایی که آرای طبیعی داشتند انتخاب شدند و بقیهٔ دوازده نفر نمایندگان تهران منتخبان دولتی بودند. تعدادی از این عده که نمایندگان واقعی طبقهٔ آزادی‌خواه و روشن فکر بودند با چند نفر که از شهرستان‌ها به مجلس راه یافته بودند و با هم سنخیت داشتند منشأ خدماتی شدند.

فعالیت ملیون، تجربه و کار دسته‌جمعی در انتخابات موجب شد تا احزاب و تشکیلات ملی به‌وجود آید و خواسته‌ها و اهداف آزادی‌خواهانه شکل گیرد. موضوع غائلهٔ آذربایجان (آذر ۱۳۲۴ - آذر ۱۳۲۵) نیز محرک ملیون برای همستگی بیشتر در راه استقلال مملکت گردید. در این زمان دکتر کاظم وزیری که از آزادی‌خواهان با سابقه بود و مدتی را در زندان رضاشاه گذرانیده بود و حسن شهرت داشت در جهت مبارزه با عوامل اجنبی و افکار ضدملی به انتشار روزنامهٔ ندای حقیقت پرداخت. آن روزنامه را بنده اداره می‌کردم و در محافل آن روز با حسن قبول تلقی شده بود. در آن زمان دخالت سیاست‌های بیگانه (روس و انگلیس به‌اضافهٔ آمریکا) در امور داخلی ایران به‌طور وسیع و گاه کاملاً علنی ادامه داشت و مبارزه با اعمال آن سیاست‌ها و عوامل آن‌ها از اهداف ناگسستنی ملی و میهنی محسوب می‌شد. به جز آن مبارزه با تمدید قرارداد شرکت نفت انگلیس و ایران و لایحهٔ گس - گلشائیان به یاری همفکران حزب ایران و سپس فعالیت شدید در انتخابات دورهٔ شانزدهم و توفیق ملیون و بالاخره ملی شدن نفت و مبارزه با مخالفین حکومت ملی دکتر مصدق (عوامل انگلیس و آمریکا و حزب توده و دربار و تجار و مالکین بزرگ) به طرق مختلف از نظر گاه‌های بدیهی و روشن وطن‌خواهان و ملت‌گرایان بود.

### انتخابات دورهٔ چهاردهم مجلس شورای ملی

اولین گروه سیاسی که به فعالیت سازمانی پرداخت حزب توده بود که اندکی

پس از اخراج رضاشاه از ایران، شالوده آن در تاریخ ۷ مهر ۱۳۲۰ در خانه سلیمان میرزا اسکندری ریخته شد و اغلب کسانی که در نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۱۶ به اتهام مرام کمونیستی در زندان رضاشاه گرفتار و معروف به ۵۳ نفر بودند فعالین و هسته مرکزی حزب را تشکیل دادند و در طیف وسیعی با امکاناتی که حاصل بود به فعالیت پرداختند. نخستین اعضای کمیته مرکزی موقت حزب توده عبارت بودند از: سلیمان میرزا اسکندری، عباس اسکندری، ایرج اسکندری، محمد یزدی، دکتر مرتضی یزدی، رضا روستا، دکتر رضا رادمنش، عبدالحسین نوشین، دکتر محمد بهرامی، بزرگ علوی و علی امیرخیزی.

اولین شماره روزنامه مردم، ناشر افکار حزب توده، به سردبیری عباس نراقی و زیر نظر هیئت تحریریه (مصطفی فاتح، ایرج اسکندری، بزرگ علوی و انور خامه‌ای) در ۱۱ بهمن انتشار یافت. حزب توده به علت وابستگی سیاسی که داشت مقبول آزادی خواهان ملی و طرفداران سیاست مستقل قرار نگرفت. لذا آن‌هایی که در پی همبستگی و ایجاد تشکیلات غیروابسته و یافتن همفکران بودند به طور پراکنده به فعالیت می‌پرداختند و در تکاپوی حل مشکلات به هر طرف شتابان و همگی خواهان تشکیلات ملی مستقل و غیروابسته بودند.

پس از عبور از وقایع مهم و ناگوار آن دوران آشفته و پرهیجان، صدور فرمان برگزاری انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در اول تیر ۱۳۲۲ موجب نزدیکی نیروهای ملی به یکدیگر شد. اعتقاد ملیون و آزادی خواهان بر این بود که بایستی از طریق انتخاب نمایندگان واقعی که بیان کننده خواسته‌ها و آرمان‌های ملت باشند به مقاصد و اهداف ملی و میهنی راه یافت.

انتخابات دوره سیزدهم به حکم رضاشاه در خرداد ۱۳۲۰ (یعنی در اواخر دوران سلطه‌اش) انجام گرفت. پس از سقوط او کهنه کاران سیاست پیشه، با دست‌اندر کاری عوامل خارج و داخل، همان نمایندگان را بر مردم تحمیل کردند و به بهانه جو خاص مانع تجدید انتخابات و برگزیدن نمایندگان واقعی ملت گردیدند. اینک که انتخابات دوره چهاردهم در شرف برگزاری بود، انتظار مردم آگاه و آزادی خواه



به سر می‌رسید و برای برگزیدن نمایندگان خود به تلاش افتادند. روشن است که به دلیل تسلطی که قوای بیگانه (روس و انگلیس و امریکا) در استان‌ها و شهرستان‌ها داشتند، اکثر نمایندگان مجلس به خواست آنان منصوب شده بودند.

ملیون فقط به انتخابات تهران امید داشتند که امکان فعالیت مردم در آن تاحدودی میسر بود و جوشش و فعالیت مردم آزاده مانعی بود در برابر دخالت دولت و عوامل و ایادی خارجی. با آنکه دستگاه دولتی و سازمان‌های وابسته از طریق عوامل و کارگزاران و دسته‌جات منتسب به خود با سرپرستی و کوشش نخست‌وزیر وقت (علی سهیلی) و وزیر کشور (سیدمحمد تدین و عبدالحسین هژیر) شدیداً برای انتصاب کاندیداهای دولتی دست‌وپا می‌زدند، بالاخره با همت و مجاهدت مبارزان ملی و مردم آزاده و وطن‌دوست، تعدادی از نمایندگان برگزیده مردم که شهرت و محبوبیت داشتند و بین گروه‌ها و طبقات مختلف دارای طرفدارانی بودند جزو منتخبین تهران به مجلس راه یافتند.

دکتر مصدق با سوابق مبارزاتی که از پیش داشت نفر اول حائزین آرا شد و توانست در مجلس چهاردهم با هدایت تعدادی از نمایندگان و ارائه و تصویب پیشنهادهای مفید ملی مؤثر افتد و موقعیت و جایگاه خاصی به دست آورد. باید توجه داشت که مجلس دوره چهاردهم، به علت اعمال نفوذ متفقین و دخالت مستقیم و غیرمستقیم دولت و مالکان بزرگ و صاحبان نفوذ و قدرت، و انتخاب تعدادی از نمایندگان واقعی مردم در تهران و نمایندگان حزب توده در شهرستان‌ها، ترکیب خاصی یافت و فعالیت آن توأم با هیجان و حادثه بود و سرانجام به تصمیمات و اقداماتی توفیق یافت که در زمان خود و پس از آن منشأ آثار مهمی گردید.

### تلاش برای سازمان دادن حزب ایران

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که ضربه سهمگینی بود که به طرفداران نهضت ملی ایران وارد آمد، من و دوستانم مبارزه را رها نکرده شدیداً در نهضت مقاومت ملی و حزب ایران به فعالیت ادامه دادیم و به جمع‌آوری سازمان متلاشی‌شده حزب

ایران و تشکیل جلسات و مبارزات مخفی دور از خانه و زندگی مشغول بودیم. از جمله روزنامه صرصر را که اولین نشریه ملیون پس از کودتا بود از ۱۵ مهر تا ۱۶ آذر ۱۳۳۲ یاری و فداکاری مبارزان حزب ایران و همفکران ملی منتشر کردیم. اما به خانه‌ام ریختند و برای همسر و دو فرزندم ناراحتی به وجود آوردند و کلیه اسناد و مدارک را بردند. برای ایجاد مرکزی جهت اجتماع و ارتباط دوستان و همفکران، به تأسیس شرکت تعاونی جاوید پرداختیم و محل فروشگاه (واقع در انتهای خیابان شاه‌آباد، اول میدان بهارستان) را مرکز ارتباط قرار دادیم.

دو کنگره حزب ایران پس از کودتا در سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ در خانه من (واقع در زرگنده) تشکیل گردید. من در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی (دوره تابستانی ۱۳۳۹) شرکت کردم، در حالی که دکتر اقبال ندانسته از طرف حزب ملیون به عنوان شاخصین شهرستان‌ها مرا از تویسرکان کاندیدا کرد. من بعد از این اقدام حزب مردم اعلام کردم که عضویت در آن حزب را ندارم ولی به منظور مبارزه به محل رفتم که استقبال پرشور و کم‌نظیر مردم موجب جلوگیری از انتخابات شد (شرح مفصلی دارد که بایستی جداگانه بیان شود). در انتخابات زمستان همان سال بدون آنکه کاندیدا شوم و به محل بروم مردم فعالیت چنان بارزی کردند که منجر به غارت شهر از طرف رعایای رقیب انتخاباتی (علی‌اکبر جلیوند) و قتل یک نفر و مجروح و متواری شدن عده‌ای شد (که آن هم تفصیل جداگانه‌ای دارد). در تیر ۱۳۳۹ که جبهه ملی دوم اعلام موجودیت کرد، با دوستان به فعالیت پرداختیم و سازمان کارمندان دولت را تشکیل دادم. من در کنگره جبهه ملی که در دی ۱۳۴۱ در منزل حاج حسن قاسمیه برگزار شد به عنوان نماینده سازمان کارمندان دولت شرکت کردم و به عضویت شورای جبهه ملی انتخاب شدم.

بعد از پایان کنگره، به علت مخالفت جبهه ملی با انقلاب شاه و مردم که در ششم بهمن ۱۳۴۱ برگزار شد، عده زیادی از رهبران و اعضای جبهه ملی (در حدود ۱۵۰ نفر) توقیف و زندانی شدند. من در روز ۹ بهمن به همراه آقایان ابوالفضل قاسمی و ذوالقدر گیتی‌بین و میرمحمدصادقی و حسینی و ثنایی و گلزار بازداشت

### دوران پیش از نهضت ملی ■ ۳۵

شدم. بازداشت سران و اعضای جبهه ملی به تفاوت از ۵ تا ۸ ماه به طول انجامید. بعد از آزادی از زندان، با برگزاری جلسات، پیوسته با دوستان در تماس بودیم. ما از سال ۱۳۵۶ به فعالیت علنی پرداختیم که تا تشکیل مجدد جبهه ملی در تیر ۱۳۵۷ و به دنبال آن تحقق انقلاب و شرکت در دولت موقت ادامه یافت.



## فصل دوم جبهه ملی ایران

گزارشی از اولین کنگره تازندانی شدن سران جبهه ملی در سال ۱۳۴۱، با شدت گرفتن فعالیت‌های جبهه ملی ایران، شورای مرکزی بنا به خواست سازمان‌های مربوط و لزوم گسترش آن‌ها و مسائل دیگری که در حال وقوع بود تشکیل کنگره را ضروری دانست. لاجرم انتخاب نمایندگان کنگره در شرایط مختنق و نامساعد و با وجود فشار دستگاه‌های امنیتی در تهران و شهرستان‌ها انجام گرفت. اولین کنگره جبهه ملی با پیام دکتر مصدق که روی نوار ضبط شده بود روز چهارم دی ۱۳۴۱ آغاز به کار کرد. جلسه افتتاحیه به ریاست سنی امیر رستم‌پور شیرازی رسمیت یافت. سپس آقای اللهیار صالح به‌عنوان رئیس کنگره انتخاب گردید. بعد از جلسات متمادی و مذاکرات طولانی، منشور جبهه ملی و دو قطعنامه به تاریخ نهم دی ۱۳۴۱ به تصویب حاضران در کنگره رسید.

فحوای منشور بر سه اصل: احیای حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، استقرار حکومت قانونی ناشی از انتخابات آزاد، و اتخاذ سیاست خارجی و مستقل براساس حفظ مصالح کشور استوار بود و ضمن آن برنامه‌های ارائه‌شده جبهه ملی ایران در قلمرو امور سیاسی و اجتماعی و اقتصادی تشریح گردیده بود.

قطعنامه اول انزجار و اعتراض شدید ملت ایران را نسبت به محاکمه غیرقانونی و تبعید و اسارت دکتر محمد مصدق، رهبر نهضت ملی ایران، اعلام نمود و همه هم‌وطنان و کلیه مردم جهان را که برای آزادی و شخصیت انسانی و حقوق اولیه بشری احترام قائل‌اند مخاطب قرار داد تا مراتب اعتراض خود را به این عمل غیرانسانی هیئت حاکمه فاسد ایران در مطبوعات و جراید جهان و کلیه مراجع قضایی داخلی و بین‌المللی منعکس سازند.

قطعنامه دوم، با عنوان قطعنامه سیاسی کنگره جبهه ملی ایران، اوضاع نابسامان سیاسی و آشفته اجتماعی و لزوم برقراری نظام قانونی در مملکت و رعایت جمیع حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی ملت را که به موجب قوانین و اعلامیه جهانی حقوق بشر لازم‌الاتباع است مورد توجه قرار داده بود. همچنین خواهان انحلال سازمان امنیت شده بود که دستگاه تفتیش عقاید و عامل فساد و نفاق و مباشر شکنجه و حبس و تبعید آزادی‌خواهان و وطن‌پرستان است.

قطعنامه همچنین خواستار آن شده بود تا به اعمال کسانی که در ده سال گذشته (از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا دی ۱۳۴۱) به حقوق و آزادی‌های ملت تجاوز نموده و برخلاف قانون افراد را توقیف و شکنجه و تبعید و زندانی کرده بودند و تعقیب کسانی که مرتکب سوءاستفاده و حیف و میل اموال شده بودند رسیدگی شود. بی‌اثر بودن عهد و قرار دادهای دریافت قرضه بدون تصویب مجلسین و به مجازات رسانیدن مسئولان نیز از جمله موارد مورد تأکید در قطعنامه سیاسی بود.

جبهه ملی ایران همواره سعی داشت فعالیت سازمان‌های خود را علنی سازد و از کار مخفی احتراز می‌نمود. ولی همان‌طور که روش حکومت‌های مستبد است، دستگاه حاکمه کوشش فراوان برای غیرعلنی ساختن و مخفی جلوه دادن سازمان‌ها و محدود کردن مبارزات به کار می‌برد تا سرکوبی آن‌ها آسان‌تر و فعالیت مبارزاتی ضعیف‌تر شود. ولی مسئولان سازمانی کوشا بودند تا در عین قانونی بودن فعالیت‌ها، جریان کار تا پایان آن برملا نشود تا دستگاه موانعی برای ادامه فعالیت‌ها به وجود نیاورد و مانع حصول نتیجه نگردد.

اما در همان اوان دستگاه با اطلاع از مصوبات کنگره به برتری جوئی و ارائه برنامه نمایشی پرزرق و برق و ریا پرداخت و تصمیم گرفت عملی پریهاوانجام دهد و تحولی به وجود آورد تا سرپوشی بر ناتوانی‌ها و نواقص امور کشور بگذارد و حربۀ تبلیغات علیه خود را کند گرداند. لذا بر آن شد تا قانون اصلاحات ارضی حکومت را که در ۱۹ دی ۱۳۴۰ به تصویب رسانده بود و در عمل توفیقی حاصل نکرده بود مستمسک قرار دهد تا به آن وسیله بنیاد مخالفان خود را براندازد. بنابراین حسن ارسنجانی وزیر کشاورزی بلافاصله اقدام به دعوت اعضای هیئت مدیرۀ شرکت‌های تعاونی و تشکیل کنگره‌ای در تهران در ۱۹ دی‌ماه کرد که مصادف با سالگرد تصویب قانون اصلاحات ارضی بود و حدود ۳۸۰۰ نفر از روستاییان سراسر کشور در این اجتماع شرکت کردند. این کنگره دو قطعنامه به تصویب رساند و در یکی از آن‌ها خواستار الغای رژیم ارباب‌ورعیتی در سراسر کشور شد. شاه نیز در پایان سخنرانی خود در این کنگره شش اصل را به‌عنوان پیشنهاد به ملت اعلام کرد تا بعد از مراجعه به آرای عمومی به اجرا درآید: الغای رژیم ارباب‌ورعیتی، ملی کردن جنگل‌ها، فروش سهام کارخانه‌ها، سهم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها، ایجاد سپاه دانش، و اصلاح قانون انتخابات. شاه در سخنرانی خود همچنین گفت که در کوبیدن مخالفان اصلاحات ارضی از شیوۀ ژنرال دوگل استفاده خواهد کرد. بعد از آن هم نخست‌وزیر اعلام کرد: «مخالفت با یکی از این مواد، مخالفت با تمام مواد تلقی می‌شود و در این صورت رأی‌دهنده باید رأی منفی بدهد» (جراید ۲۹ دی ۱۳۴۱).

در جلسه مورخ ۲۴ دی ۱۳۴۱ هیئت دولت، مقررات مربوط به اخذ آرای عمومی درباره اصول شش‌گانه پیشنهادی شاه تصویب و زمان رأی‌گیری هم روز ششم بهمن ۱۳۴۱ تعیین شد. روزنامه اطلاعات در روز ۲۵ دی نوشت که شاهنشاه تا ساعت دو و نیم بعد از نیمه‌شب مشغول مطالعه در تغییر اصلاحات ارضی بودند. شورای جبهه ملی تمامی این اعمال را نمایشی می‌دید که به‌هیچ‌وجه موافق مصلحت کشور نیست و برای تحکیم پایه‌های لرزان حکومت استبدادی شاه ارائه

می‌شود. لذا در یک جلسه طولانی (در حدود ۸ ساعت) موضوع رفراندم شاه را مورد بحث قرار داد و پس از مذاکرات مشروحاتی تصمیم گرفته شد که نظر مخالف جبهه ملی ایران با رفراندم اعلام شود. به همین منظور هیئت اجرائیه بیانیه مستدلی درباره علل و جهات مخالفت شورای جبهه ملی با برگزاری رفراندم صادر کرد و در آن، ضمن اشاره اجمالی به اعمال خلاف قانون و اعمال ظلم و فشار و اشاعه فساد و ایجاد هرج و مرج در ده سال گذشته، اجرای رفراندم از طرف شاه به عنوان یک مقام غیرمسئول را دخالت در امور حکومت و قانون گذاری دانست که با دستاویز اصلاحات صورت می‌گیرد و کلاً کارهایی خلاف قانون و مستبدانه است، و صریحاً یادآور شد که «جبهه ملی ایران معتقد است تأمین اصلاحات اساسی در گرو تأمین آزادی است». در پایان بیانیه جبهه ملی آمده بود: «با الغای رژیم ارباب‌ورعی، زمین و آب برای دهقان، دسترنج کارگر برای کارگر، حاکمیت ملت و آزادی برای همه مردم، از میان برداشتن استثمار و استثمار: آری، موافقم. با حکومت خودکامه و دخالت پادشاه در امور حکومت و رژیم و حشمت و ترور و سازمان امنیت، تسلط سیاست استعماری بر کشور، تعدی پلیس و ژاندارم و مأموران متعدی دولت در شهرها و روستاها: نه، مخالفم»

هیئت اجرائیه در پی صدور این بیانیه روز پنجم بهمن را به منظور برگزاری میتینگ در میدان جلالیه تعیین کرد تا نظرات جبهه ملی در خصوص رفراندم را اعلام نماید. هیئت اجرائیه منحصراً سه شعار را برای مراسم آن روز انتخاب و اعلام کرد. این سه شعار عبارت بودند از: «اصلاحات ارضی بله، دیکتاتوری شاه نه»، «مصدق، دهقان، کارگر پیروز است»، «نابود باد استبداد، برقرار باد آزادی».

فردای آن روز یعنی روز دوم بهمن آقای اللهیار صالح برای اولین بار بازداشت شد. بعد از بازداشت آقای صالح هیئت اجرائیه با صدور اعلامیه‌ای به این عمل حکومت اعتراض کرد. متن اعلامیه به این شرح بود: «هم‌میهنان شرافتمند، حکومت غیرقانونی که مقدمات رفراندم پیشنهادی را با شتاب زدگی تهیه می‌کند و دم از آزادی برای دادن رأی می‌زند آقای اللهیار صالح، رئیس هیئت اجرائیه جبهه ملی ایران، مردی